با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

کاروان‌های راهیان نور به آسایشگاه‌های جانبازان جنگ هم بروند

جا دارد در کنار کاروان‌های راهیان نور یک کاروان کوچک در حد چند نفر، به نمایندگی از کل راهیان نور، بین راه در جلوی آسایشگاه‌های جانبازان جنگ توقف کنند و از احوال این عزیزان باخبر شوند. این کار چند دقیقه بیشتر زمان نیاز ندارد.

معتمدی از تهران

جاده هراز نیازمند ترمیم جدی است

در روزهای پایان سال و باقیمانده تا آغاز اوج سفرهای نوروزی با تماس‌های تلفنی و درج در مطبوعات از مسئولان خواستیم به رفع اشکالات در جاده‌ها اهتمام ویژه داشته باشند چرا که جاده‌های بین‌شهری و بین‌استانی به‌خصوص جاده هراز سالیان سال است که با شکستگی، موج و چاله‌های خطرناک به حال خود رها شده و این وضع جاده مسافران و سلامت خودروها را تهدید می‌کند اما نوروز آمد و رفت و مسافرت‌های نوروزی تمام شد و جاده هراز هنوز همان وضع سابق را دارد.

محمودنیا از آمل

دلیل بلوکه کردن پول برای خرید ارز را توضیح دهند

طبق اعلام بانک مرکزی برداشت اسکناس از حساب‌های ارزی، صرفا پس از گذشت ۵روز کاری و بعد از زمان واریز به‌حساب ارزی متقاضی امکان‌پذیر است. با توجه به روش‌های جدید و کم و زیاد کردن مداوم رقم ارز قابل‌خرید و... و اینکه هر روز یک داستان جدید وجود دارد چرا ۵روز کاری پول خریداران بلوکه بماند؟ چه‌کسی خسارت خواب پول خریداران ارز را می‌دهد؟ این بلوکه کردن پول شاید با محاسبه رقم یک‌نفر رقمی نشود اما در تعداد بالا قطعا رقم قابل‌توجهی است و جا دارد مسئولان در این خصوص توضیح دهند.

مردانی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

گرانفروشی در خطوط هوایی وابسته به سازمان منطقه آزاد کیش

بلیت کیش به تهران در خط هوایی کیش‌ایر وابسته به سازمان منطقه آزاد کیش همچنان بیشتر از مصوبه رسمی سازمان هواپیمایی فروخته می‌شود و در جواب ما که پرسیدیم چرا این قیمت؟ گفتند اگر پول ندارید نباید به کیش می‌آمدید! ۲میلیون و ۷۰۰هزار تومان خیلی بیشتر از مصوبه سازمان هواپیمایی است.

احمدپور از تهران

شعب بانکی کشور بیش از حد نیاز است

حقیقتا تعداد بانک‌ها و شعب آن بیش از نیاز کشور است. حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی هم این تعداد بانک و شعبه وجود ندارد. از طرفی دستگاه‌های خودپرداز در بیشتر کشورها، صرفا جهت ارائه پول نقد به مشتریان نصب می‌شود درحالی‌که بسیاری از دستگاه‌های خودپرداز در کشور ما حکم یک بانک کوچک را دارند و خدمات روزمره را به مراجعین ارائه می‌دهند. با توجه به این مسئله جا دارد تا تعداد شعب بانک‌ها کاهش پیدا کند. این موضوع فواید دیگری هم دارد ازجمله کاهش ترافیک و مصرف انرژی که از معضلات کشور ما هستند.

ابراهیمی از تبریز

نانوایی گرانفروش، بربری را ۶هزار تومان می‌فروشد

یک نانوایی بربری واقع در خیابان جعفری نان بربری را هر عدد ۶هزار تومان می‌فروشد. نه فاکتور ارائه می‌دهد، نه کارتخوان ویژه نانوایی دارد و نه به مشتریان درخصوص این قیمت توضیحی می‌دهد. هر روز در این نانوایی درگیری لفظی بین نانوا و دستیارش با مردم جریان دارد و می‌گوید تعزیرات و اتحادیه هم نمی‌توانند کاری بکنند. لطفا مسئولان با این نانوایی و امثال آن برخورد جدی کنند تا جرأت تکرار خطا پیدا نکنند.

فاطمی از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

سرایداران مدارس را دریابید

سرایداران اکثرا افراد مسنی هستند که یا بعد از بازنشستگی و برای داشتن کمک خرجی به این شغل مشغول شده‌اند و یا از ابتدا عمر و جوانی‌شان را در این حرفه صرف کرده‌اند و جزو زحمتکش‌ترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند. متأسفانه با تمام سختی‌هایی که این شغل دارد درآمد و حقوق دریافتی‌شان به هیچ‌وجه عادلانه نیست و نه‌تنها کمترین میزان حقوق را دریافت می‌کنند بلکه هیچ‌گونه مزایایی هم برایشان درنظر گرفته نشده است. به‌طوری که همیشه برای امرار معاش و تامین هزینه خانواده‌هایشان با مشکل مواجهند. واقعا وقت آن رسیده که مسئولان با تجدید نظر در مورد میزان پرداخت حقوق این افراد، از بار مشکلات و نگرانی آنها کم کنند.

خدامی از مشهد

پاسخ مسئولان

مشکل بوی نامطبوع در ایستگاه شهید بهشتی مقطعی است

شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «بوی نامطبوع ایستگاه متروی شهید بهشتی ناشی از چیست» در ستون «با مردم» روز دهم اسفندماه پاسخ داده است: «ضمن تشکر از مسافر گرامی به اطلاع می‌رساند سرویس بهداشتی اداری ایستگاه واقع در راهروی منتهی به خروجی‌های ۳و ۴دارای بوی نامطبوع بود که با نصب یک دستگاه تهویه پیشرفته مشکل آن برطرف شده است، اما با توجه به اینکه امکان خاموش بودن فن مذکور به‌دلیل خرابی یا دلایل مشابه وجود دارد گاهی ممکن است بوی نامطبوع در ایستگاه منتشر شود که با روشن شدن مجدد فن، این بو از ایستگاه خارج می‌شود.»

پسری که به خاطر یک گوشی موبایل مرتکب قتل شده بود بخشیده شد

پایان کابوس ۱۱ساله قصاص

جنایی

محمد جعفری
روزنامه‌نگار

جوانی که ۱۱سال قبل در جریان درگیری با دوستش بر سر یک گوشی موبایل مادر او را به قتل رسانده بود، در شرایطی که حکم قصاصش قطعی شده و در یک قدمی چوبه دار قرار داشت توسط اولیای دم بخشیده و از زندان آزاد شد.

به‌گزارش همشهری، این جنایت اواسط سال ۹۰ در شهرستان حاجی‌آباد واقع در استان هرمزگان اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که ۲ پسر جوان که دوستان صمیمی بودند در کوچه یک گوشی موبایل پیدا کردند و همین موضوع آغاز اختلاف آنها بود. هر کدام ادعا می‌کردند که مالک گوشی هستند و هیچ‌کدام حاضر نبودند از خواسته‌شان کوتاه بیایند و همین موضوع باعث شد دوستی آنها به‌هم بخورد. آنها سر گوشی موبایل با هم درگیری و زد و خورد کردند و در نهایت این درگیری به خانواده‌های آنها هم کشیده شد. اوج این درگیری‌ها زمانی بود که یکی از پسران جوان با چند نفر دیگر از اعضای خانواده‌اش ازجمله مادرش سراغ دوستش رفتند و با آنها درگیر شدند اما در جریان این درگیری دسته جمعی ضربه چوبی به سر مادر وی اصابت کرد و همین ضربه برای مرگ او کافی بود.

به‌دنبال این درگیری مرگبار، پسر جوان که ضربه چوب را زده بود به اتهام قتل دستگیر شد. او که هنوز باورش نمی‌شد مرتکب قتل شده است مدعی شد که هیچ نیتی برای قتل نداشته و ناخواسته مرتکب این کار شده است. با وجود این تحقیقات در این‌باره ادامه پیدا کرد و پرونده اتهامی‌اش با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان هرمزگان فرستاده شد. در جلسه محاکمه ابتدا اولیای دم که ۳پسر و ۵دختر مقتول هستند یک به یک در جایگاه ایستادند و برای متهم به قتل درخواست حکم قصاص کردند. یکی از آنها همان دوست صمیمی متهم بود. او گفت: فکرش را هم نمی‌کردم که دوستم به‌خاطر یک گوشی موبایل دست به چنین کاری بزند و مادرم را از من بگیرد. به همین دلیل خواسته من و اعضای خانواده‌ام قصاص است.

در ادامه این جلسه قاضی اتهام قتل عمد را به متهم تفهیم کرد و از او خواست به دفاع از خودش بپردازد. پسر جوان که صدایش می‌لرزید گفت: قبول دارم که خطای بزرگی مرتکب شده‌ام اما باور کنید این حادثه ناخواسته اتفاق افتاد. او ادامه داد: یک روز با دوستم از یک کوچه رد می‌شدیم که یک گوشی موبایل روی زمین پیدا کردیم. اول او گوشی را دید و من آن را برداشتم. هرچند گوشی‌ای که پیدا کرده بودیم معمولی و ارزان قیمت بود اما هر دو می‌خواستیم که صاحب گوشی باشیم. به همین دلیل چشمان‌مان را روی رفاقت‌مان بستیم و بر سر یک گوشی درگیر شدیم.

متهم به قتل در ادامه گفت: خانواده‌های‌مان چند روز بعد ما را آشتی دادند اما این ماجرا باز هم ادامه پیدا کرد تا اینکه روز حادثه دوستم با چند نفر دیگر از جمله مادرش جلوی خانه‌مان آمدند و درگیری بالا گرفت. من با چوبی که در دست داشتم ناخواسته ضربه‌ای به سر مادر او زدم و باعث مرگش شدم اما ضربه‌ای که زدم عمدی نبود و بی‌هدف بود.

به‌دنبال دفاعیات متهم، قضات دادگاه وارد شور شدند و پسر جوان را گناهکار تشخیص داده و او را به قصاص محکوم کردند. با وجود اعتراض متهم به این رأی و ارسال پرونده به دیوان عالی کشور اما مدتی بعد حکم قصاص تأیید و آماده اجرا شد.

حکم قصاص در شرایطی قطعی شده بود که به‌دلیل مرد بودن قاتل و زن بودن مقتول، اولیای دم برای اجرای حکم باید تفاضل دیه قاتل را به قاتل پرداخت می‌کردند. به همین دلیل اجرای حکم برای مدتی به تعویق افتاد. این شرایط بیش از ۱۱سال طول کشید و پسر جوان که هنگام وقوع قتل ۲۰سال داشت به ۳۱سالگی رسید. در این بین اما مسئولان زندان بندرعباس و شورای حل اختلاف زندان که در این مدت شاهد تغییر رفتار جوان محکوم به قصاص بودند و به این نتیجه رسیدند که او تنبیه شده تلاش کردند تا رضایت اولیای دم را جلب کنند. آنها چندین مرتبه با اولیای دم جلسه گذاشتند اما آنها حاضر به بخشش نبودند. این جلسات بارها ادامه پیدا کرد تا اینکه آنها برای صرف‌نظر از اجرای حکم قصاص حاضر به دریافت دیه شدند. کوتاه آمدن اولیای دم از اجرای حکم قصاص در حالی بود که جوان محکوم به قصاص و خانواده‌اش توانایی پرداخت دیه را هم نداشتند. در این بین چند خیر وارد پرونده شدند و وقتی دیه فراهم شد اولیای دم نیز پس از ۱۱سال قاتل مادرشان را بخشیدند.

کاظم شاهرخ‌نیا، عضو شورای حل اختلاف زندان بندرعباس که نقش مهمی در جلب رضایت اولیای دم داشت در این‌باره به همشهری می‌گوید: تلاش برای بخشش این جوان از حدود ۷سال قبل شروع شد اما اولیای دم راضی به بخشش نمی‌شدند. با این حال من و همکارانم به‌خصوص آقای مصطفی کیشانی فراهانی، مدیرکل زندان‌های هرمزگان و خانم الهام پوردهقان، معاون دادستان هرمزگان در اجرای احکام تلاش زیادی در این‌باره انجام دادیم تا اینکه اولیای دم راضی به پرداخت دیه شدند.

او در ادامه گفت: چون جوان زندانی و خانواده‌اش هیچ پولی نداشتند خانم خیری که از پرسنل پالایشگاه نفت ستاره بود با همکاری تعداد دیگری از همکارانش این پول را فراهم کردند و با پرداخت آن پسر جوان بعد از ۱۱سال از زندان آزاد شد.

زورگیران خبر نداشتند که قاتلند

انتظامی

زوگیرانی که بر سر اختلافات مالی دست به سرقت یک خودروی کوئیک زده بودند پس از دستگیری فهمیدند که صاحب خودرو را به قتل رسانده‌اند.

به گزارش همشهری، ششم فروردین‌ماه امسال جسد مردی در بیابان‌های اسلامشهر پیدا شد و بررسی‌ها نشان می‌داد که وی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. ماجرای این قتل به تیم جنایی اعلام و تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول و بازداشت عامل یا عاملان جنایت آغاز شد.

ماموران در بررسی جیب‌های مقتول، مدارک هویتی وی را به‌دست آوردند و مشخص شد که او به تازگی یک خودروی کوئیک صفر خریده و با آن مسافرکشی می‌کرده است. او آخرین بار هم درحالی‌که سوار بر ماشین خود شده بود، برای کار خانه‌اش را ترک کرده و از آن پس ناپدید شده بود.

با توجه به اینکه در جایی که جسد مقتول پیدا شده بود، هیچ اثری از خودروی کوئیک او نبود، فرضیه جنایت با انگیزه سرقت خودرو قوت گرفت و برای شناسایی ردپای عاملان قتل، مشخصات خودروی کوئیک در اختیار همه واحدهای گشتی قرار داده شد.

تعقیب و گریز

درحالی‌که تحقیقات برای بازداشت عامل یا عاملان قتل راننده کوئیک ادامه داشت، در روز چهاردهم فروردین‌ماه امسال مأموران گشت پلیس آگاهی یکی از خیابان‌های جنوب غرب تهران چشم‌شان به‌خودروی کوئیک سفیدرنگ افتاد. سرنشینان خودرو ۲ نفر بودند و راننده با سرعت سرسام‌آوری در حال حرکت بود. مأموران که به ماجرا مشکوک شده بودند به استعلام پلاک ماشین پرداخته و متوجه شدند که خودرو سابقه سرقت در شهرستان اسلامشهر را دارد. در چنین شرایطی عملیات تعقیب برای بازداشت سرنشینان خودرو شروع شد، اما راننده با وجود اخطارهای پلیس، پایش را روی پدال گاز گذاشت و سعی داشت با حرکات مارپیچ و خطرناک از دست پلیس فرار کند. با وجود این، لحظاتی بعد مأموران موفق به توقف خودرو شدند و هردو سرنشین خودرو را دستگیر کردند.

اقرار

متهمان که اعتیاد شدیدی به شیشه داشتند در بازجویی‌ها به سرقت خودروی کوئیک اقرار کردند، اما خبر نداشتند که راننده آن را به قتل رسانده‌اند. آنها مدعی بودند که به انگیزه سرقت، با چاقو ضرباتی به راننده زده و ماشینش را دزدیده‌اند، اما هدفشان این بوده که راننده را بترسانند. آنها بعد از دستگیری متوجه شدند که قاتلند و مرتکب جنایت شده‌اند.

هر دو سارق، سابقه سرقت و زورگیری دارند و یکی از آنها در تحقیقات گفت: من و همدستم مقتول را می‌شناختیم و با هم اختلافات مالی داشتیم. وقتی متوجه شدیم که او خودروی کوئیک خریده تصمیم گرفتیم ماشینش را سرقت کنیم. وی ادامه داد: نقشه ما فقط سرقت بود، اما به قتل تبدیل شد. روز حادثه سوار ماشین مقتول شدیم تا او را به محلی که دوستان‌مان دور هم جمع می‌شدند، ببریم. در بین راه با چاقو مقتول را که پشت فرمان بود تهدید کردیم تا توقف کند. به او گفتیم که به‌خاطر اختلافات مالی قصد سرقت ماشینش را داریم، اما او مقاومت کرد. ما هم ناچار شدیم برای اینکه او را بترسانیم و نقشه‌مان را پیش ببریم با چاقو ضرباتی به او بزنیم، اما اصلا فکرش را نمی‌کردیم که این ضربات موجب مرگ وی شود. وی گفت: وقتی راننده توقف کرد، او را به بیرون از ماشین پرتاب کرده و با سرقت ماشین گریختیم تا اینکه دستگیر شدیم و تازه بعد از بازداشت متوجه شدیم که راننده کوئیک به‌دلیل شدت ضربات و خونریزی به قتل رسیده است.

به‌گفته سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران، متهمان بازداشت شده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

پیامک‌های تهدیدآمیز دست مرد شیاد را رو کرد

داخلی

با دستگیری مرد شیادی که دختر باستان‌شناس را فریب داده و او را قربانی نقشه شوم خود کرده بود، مشخص شد که وی با ترفندهای مختلف دختران جوان را در اینستاگرام فریب می‌داد و به دام سیاه خود می‌کشاند.

به‌گزارش همشهری، چندی قبل دختری جوان به اداره پلیس تهران رفت و گفت در دام یک مرد آزارگر گرفتار شده است. وی توضیح داد: من باستان‌شناس هستم و کارم مرمت اشیای عتیقه و زیرخاکی است. وی ادامه داد: من یک صفحه در اینستاگرام دارم که معمولا عکس عتیقه‌ها و اشیای تاریخی که مرمت می‌کنم را در آن قرار می‌دهم. مدتی قبل پسری به نام کامران پیامی برایم فرستاد و گفت علاقه خاصی به عتیقه دارد. ما شروع به صحبت کردیم و دوستی میان ما شکل گرفت. پس از چند روز کامران به من گفت که یک گلدان عتیقه دارد اما شکسته است. وی از من درخواست کرد آن را ترمیم کنم و من هم به او گفتم باید گلدان را ارزیابی کنم تا ببینم آیا امکان مرمت وجود دارد یا نه. پس از آن کامران برای نشان دادن گلدان در یکی از خیابان‌ها قرار گذاشت. وقتی سر قرار حاضر شدم کامران با ماشین شخصی‌اش آمد. من سوار ماشینش شدم که گلدان را ببینم اما او شروع به حرکت کرد. وقتی اعتراض کردم با مشت چند ضربه به سر و صورتم زد طوری که از شدت درد گیج و بی‌حال شدم. او سپس به سمت باغی در اطراف تهران رفت و در آنجا با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. سپس طلا و پول‌هایم را سرقت کرد و بعد به سمت تهران برگشت و مرا در منطقه‌ای خلوت رها کرد. وی تهدید کرد که اگر شکایتی علیه او مطرح کنم مرا ربوده و این‌بار جانم را می‌گیرد اما من تهدیدهایش را جدی نگرفتم و راهی اداره پلیس شدم تا از او شکایت کنم.

کینه عجیب

با ثبت این شکایت، مأموران پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات برای بازداشت متهم را شروع کردند. آنها در گام نخست به بررسی دوربین‌های مداربسته‌ای پرداختند که در محل ملاقات شاکی و متهم بود و موفق به شناسایی ماشین متهم شدند و توانستند با همین سرنخ او را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کنند.

کامران در تحقیقات اتهام خود را انکار کرد و مدعی شد که دختر باستان‌شناس(شاکی) را نمی‌شناسد. اما مأموران در ادامه به بررسی تلفن همراه وی پرداختند و با پیامک‌های مرموزی مواجه شدند. او دختران و زنان زیادی را با ارسال پیامک تهدید کرده بود که اگر شکایتی علیه وی مطرح کنند، جانشان را می‌گیرد. با به‌دست آمدن این پیامک‌ها مشخص شد که متهم دستگیر شده یک مجرم حرفه‌ای است که به‌صورت سریالی طعمه هایش را شناسایی و پس از آزار و اذیت اموالشان را سرقت می‌کند. در این شرایط بود که متهم چاره‌ای جز اقرار به جرم خود ندید و گفت: من وضع مالی نسبتا خوبی داشتم تا اینکه سال‌ها قبل عاشق دختری جوان شدم. قرار بود با هم ازدواج کنیم و به همین دلیل بود که هرچه می‌خریدم را به نام او می‌زدم. اما دختر جوان فریبم داد و علاوه بر هدایایی که به نامش خریده بودم، بیشتر سرمایه مرا به بهانه خرید خانه مشترکمان از من گرفت و غیبش زد. در آن زمان به جست‌وجو پرداختم تا اینکه متوجه شدم دختری که من عاشقش بودم با پسر دیگری ازدواج کرده و از ایران رفته است. این اتفاق خیلی مرا اذیت کرد و دیگر نتوانستم مانند سابق زندگی کنم. از آن زمان نسبت به دختران کینه عجیبی به دل گرفتم. برای گرفتن انتقام، در فضای مجازی با دخترهایی که وضع مالی خوبی داشتند آشنا می‌شدم. اجازه نمی‌دادم این آشنایی بیشتر از ۴۸ساعت طول بکشد. بعد هم به بهانه‌های مختلف با آنها قرار می‌گذاشتم و در محل قرار آنها را سوار ماشین می‌کردم و با تهدید و ضرب و شتم، به باغی در اطراف تهران می‌کشاندم و پس از آزار و اذیت اموالشان را سرقت می‌کردم. اموالی مانند طلا، پول، ساعت و...

بنابر این گزارش، متهم به دستور بازپرس جنایی بازداشت شده و تحقیقات برای شناسایی شاکیان ادامه دارد.

بازگشت سارق مسلح به بانک آینده

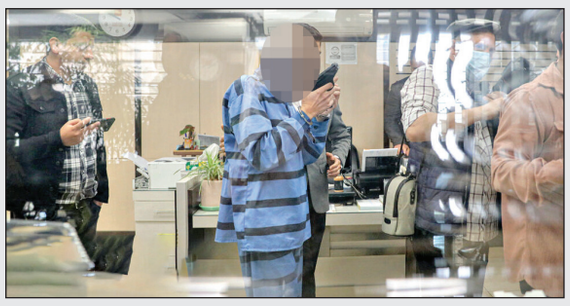

سارقی که چند روز قبل نخستین سرقت بانک در سال ۱۴۰۲ را رقم زده و دست به سرقت مسلحانه از بانک آینده در تهران زده بود، با حضور در بانک صحنه سرقت را بازسازی کرد. به‌گزارش همشهری، این سرقت مسلحانه روز چهارشنبه نهم فروردین در یکی از شعب بانک آینده در منطقه توانیر پایتخت اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که مردی مسلح به کلت کمری بادی با ورود به بانک اقدام به تیراندازی کرد و با تهدید مبلغ ۵ میلیون تومان سرقت کرد و از آنجا گریخت. او اما در مدت کوتاهی در حالی که قصد خروج از مرز را داشت در فاصله کمی از مرز کشور همسایه از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی تهران دستگیر شد و دیروز با حضور در محل سرقت صحنه این دستبرد مسلحانه را بازسازی کرد. یکی از کارمندان بانک درباره این سرقت گفت: چند روز پیش آگهی فروش ۲ سکه طلای تمام بهار آزادی را در یکی از پلتفرم‌های خرید و فروش کالا منتشر کرده بودم که فردی با من تماس گرفت و گفت قصد خرید سکه‌ها را دارد و من هم آدرس محل کارم را به او دادم. او ادامه داد: حدود ساعت ۱۲ بود که مردی حدود ۴۵ساله که یک کلاه بر سر داشت وارد بانک شد و خودش را خریدار سکه‌ها معرفی کرد اما من گفتم که از فروش سکه‌ها منصرف شده‌ام و درست در این لحظه او یک کلت کمری از زیر لباسش خارج و چند گلوله شلیک کرد و مقداری پول سرقت کرد و سوار بر موتورسیکلتش فرار کرد. متهم پس از بازسازی صحنه سرقت به بازداشتگاه بازگردانده شد.

کوتاه از حادثه

اتهام قتل عمد با ۱۰دلیل قضایی

بازپرس جنایی پایتخت با اشاره به ۱۰دلیل قضایی و علمی در پرونده بمب‌گذاری مرگبار در یک خودرو پژو، ۲ برادر و دامادشان را به اتهام قتل گناهکار شناخت و برای آنها کیفرخواست صادر کرد.

به گزارش همشهری، شامگاه دوازدهم بهمن سال ۱۴۰۰انفجاری هولناک، ساکنان خیابان خواجوی کرمانی در منطقه کیانشهر تهران را به وحشت انداخت. انفجار در یک دستگاه خودروی پژو پرشیای سفیدرنگ که پسر جوانی سرنشین آن بود، رخ داد و شدت آن به حدی بود که وی به طرز فجیعی جانش را از دست داد.

آنطور که شواهد نشان می‌داد، حادثه بر اثر انفجار مواد منفجره‌ای شبیه دینامیت که در کف یا صندوق عقب خودرو جاسازی شده رخ داده بود. مأموران در ادامه به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد راننده پرشیا که فرهاد نام داشت قربانی انتقام‌جویی شده و افرادی با قرار دادن بمب در خودروی او، وی را به قتل رسانده‌اند.

ماجرا از این قرار بود که اواخر سال ۹۹، دوست فرهاد عاشق دختری در یکی از شهرهای غربی کشور شده بود اما پدر دختر راضی به این وصلت نمی‌شد. یک روز که خواستگار جوان همراه فرهاد برای حرف زدن با پدر دختر نزد او رفته بود، در درگیری وی را به قتل رساند و از کشور گریخت اما فرهاد دستگیر شد. او در بازجویی‌ها گفت که نقشی در جنایت مسلحانه نداشته است. وی توضیح داد که روز حادثه همراه دوستش برای صحبت و پادرمیانی سراغ مقتول رفته بود و اصلا خبر نداشت که دوستش قصد کشتن مقتول را دارد.

فرهاد پس از بیان این توضیحات، چندماه در بازداشت بود تا اینکه با سپردن وثیقه آزاد شد. با این حال خانواده مقتول (مرد میانسال) نسبت به آزادی وی اعتراض کردند و اصرار داشتند که فرهاد در ماجرای قتل پدرشان نقش داشته و باید مجازات شود. آنها چندین‌بار فرهاد را تهدید به قتل کرده بودند و حتی یک‌بار یکی از پسرهای مقتول با تهیه اسلحه کلاشنیکف راهی تهران شد تا فرهاد را به قتل برساند اما پلیس در بین راه خودروی وی را که با سرعت بالا در حال حرکت بود توقیف کرد و در بازرسی از ماشین وی اسلحه کشف و متهم بازداشت شد.

به این ترتیب تلاش نخست خانواده مقتول (مرد میانسال) برای قتل فرهاد بی‌نتیجه ماند. از سوی دیگر فرهاد به‌دلیل تهدیدهای مکرر خانواده مقتول جرأت نمی‌کرد پایش را از خانه بیرون بگذارد تا اینکه روز حادثه پس از ۲ماه که در خانه خود را حبس کرده بود تصمیم گرفت بیرون برود تا هم هوایی بخورد و هم باک اتومبیلش را پر کند، اما همان روز بر اثر انفجار بمبی که در خودرواش جاسازی شده بود به قتل رسید.

با تکمیل شدن تحقیقات در این پرونده، مظنونان اصلی بمب‌گذاری که ۲پسر مقتول (مرد میانسال) و یکی از اقوامشان هستند با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شدند. اگرچه متهمان مدعی‌اند که بی‌گناهند اما با گذشت ۱۴ماه از حادثه قاضی محمد مهدی براعه بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با اشاره به ۱۰دلیل قضایی و علمی در پرونده، برای هر ۳ نفر کیفرخواست قتل عمد صادر کرد. یکی از دلایل، استوری متهمان در اینستاگرام بود با این مضمون که آدمکشی با چاشنی انتحاری کارسختی نیست. دومین دلیل آنتن دهی موبایل متهمان در محل انفجار بمب بود، سومین دلیل پیامک‌های تهدید آمیزی بود که متهمان برای خانواده مقتول ارسال کرده بودند، چهارمین دلیل تماس‌های مشکوک آنها با یکدیگر، پنجمین دلیل نصب بنری از سوی آنها روی دیوار دادگستری شهرستان محل سکونت‌شان بود که در آن نوشته بودند که اگر فرهاد مجازات نشود، خودشان از او انتقام می‌گیرند، ششمین دلیل، بازداشت یکی از متهمان در زمان حمل سلاح بود و هفتمین دلیل اظهارات شاهدان و دلایل دیگر قضایی بود که موجب شد بازپرس جنایی تهران برای ۲ برادر و دامادشان به جرم مشارکت در قتل کیفرخواست صادر کرده و پرونده برای محاکمه متهمان به دادگاه کیفری فرستاده شود.

۴قربانی در تصادف سمند و پژو

تصادف یک دستگاه سمند یا یک پژو در محور سقز- دیواندره منجر به مرگ شد.

به گزارش همشهری، این حادثه ظهر روز گذشته (چهارشنبه) در محور سقز- دیواندره حوالی گردنه فتاح‌آباد اتفاق افتاد. سرهنگ عیسی گوهری، رئیس پلیس راه استان کردستان در این باره گفت: در این حادثه تلخ ۲خودروی پژو و سمند به شدت با همدیگر برخورد کردند که ۴نفر جانشان را از دست دادند و شماری نیز مصدوم شدند که توسط نیروهای امدادی به مراکز درمانی انتقال یافتند.

وی ادامه داد: علت این حادثه تجاوز به چپ و رانندگی در خلاف جهت راننده خودرو پژو بود که لازم است رانندگان هنگام رانندگی سعه صدر داشته و دیر رسیدن به سلامت را به سرعت رفتن و اینگونه حوادث تلخ ترجیح دهند.

گوهری با اشاره به وضعیت نامناسب جاده‌ها و اینکه اکثر محورهای استان کردستان دو طرفه است، گفت: رانندگان هنگام رانندگی نهایت دقت و احتیاط را رعایت کرده و از سرعت و سبقت غیرمجاز خودداری کنند تا خانواده‌ها را گرفتار رفتارهای هیجانی خود نکنند.